درباره نادر اردلان

مهندس نادر اردلان
متولد سال ۱۳۱۸ تهران
تحصیلکرده معماری در خارج از ایران
همکار عالیرتبه دفتر مهندسی «عبدالعزیز فرمانفرمائیان» ۱۳۴۱
نویسنده کتاب «حس وحدت» (با همکاری لاله بختیار)
سنت صوفی گری در معماری ایران، ۱۹۷۲ شیکاگو
صاحب مقاله های زیادی درباره معماری ایرانی واسلامی
شرکت در طراحی واجرای برخی از مهم ترین پروژه های معماری معاصر ایران
طراحی واجرای تعدادی بنای مونومنتال در ایران وخارج از کشور مانند «مرکز مطالعات مدیریت هاروارد» (تهران)، دانشگاه بوعلی سینا (همدان)، ساختمان اداری گروه صنعتی بهشهر (با نقش برجسته های مسعود عربشاهی)، اسکله «الشرق» (کویت) و... تهیه لایحه حقوقی زیست بوم به همراه کسانی چون خوزه لویی سرت، موشه سفتی، جرج کاندیس و...
سرپرست شهرسازی در شهر نوران که توسط شرکت بین المللی ماندلا طراحی شده بود.

معماری میان زمین و آسمان

محمد شمخانی: نمی دانم این عبارات جامع و مانع متعلق به همان شخص سیاسی است که ۳۰ سال پیش آن را در سخنرانی اش آورده یا او هم از کس دیگری نقل کرده است. اینکه «آنچه می سازیم برای انسان است و باید از انسان آغاز گردد. زیرا انسان معیار همه معیارها است» و اینکه «در کشورهایی که هنوز صنعت بر ارزش های معماری چیره نگشته است می توان شیوه های نوین معماری را همگام با جهش های صنعتی به راهی کشانید که هنر زیستن را همراه با مقام والای انسانی در پی داشته باشد.»

سردادن یک چنین شعارهایی در کشور ما و کشورهایی که فاصله میان «ایده» و «اجرا» هی بیشتر و بزرگتر می شود، شایدخیلی مهم نباشد، اما با همین شعور و شعارها هم است که می توان به سراغ کسانی رفت که در همین زمینه تنگ و تاریک کاری کرده اند و رد پایی گذاشته اند.

مهندس «نادر اردلان» در این میان شاید از معدود معماران معاصر ایرانی بوده باشد که آثاری در خور گمان وگفت وگو آفریده است و راه را برای کسانی که می خواهند «شیوه های نوین معماری» را «همگام با جهش های صنعتی» در ایران درونی کنند، تاحدود زیادی باز کرده است. این واقعیت را در تمام شؤون شخصی و فکری و فلسفی اردلان می توان دید و در رویکرد به گفته ها و نوشته های او می توان دریافت: «بررسی طرق عمل بومی قابل تطبیق نباتات، حیوانات و انسان در فلات ایران برای اغلب معماران ایرانی عقیم مانده است، هرچند که معماری سنتی ایران از لحاظ قابلیت تطبیق شایسته حاوی مثال های عالی فراوان است. به هرحال صورتی از طریق عمل قابل تطبیق در دست تهیه است و در موقع خود منبع پرارزشی را برای کسانی که در جست وجوی تناسب شایسته هستند، باید تأمین کند. البته این برداشت مخصوصاً مهم است زیرا که این عصر به آگاهی بیشتری از نیاز به طرح ریزی بوم شناسی و حفظ بیشتر منابع جهان گرایش می یابد. اگر کسی توجه ناقصی را که به طرق عمل قابل تطبیق در معماری معاصر ما می شود مذمت کند، در پی آن باید بر فراموشی تقریباً کاملی که ما در سروکار داشتن با جنبه های روحی و عمیق قضیه به آن دچار شده ایم افسوس بخورد. با زندانی شدن در سیمان و بعد محدود کمیت، ملاحظات مربوط به «بینش عمیق» و «تعالی در هنر» به کلی ازنظر اغلب کسانی که در آفرینش آن دخیلند، پوشیده مانده است. وقتی لوکربوزیه از «چشمانی که نمی بینند» سخن گفت، نمی دانم که آیا عظمت کوری ما کاملاً ارزیابی شده بود یا نه.»

بر بنیاد یک چنین تصویرها و تصورهایی هم هست که حالا می شود آثار اردلان را، که خود به منبع قابل تطبیقی تبدیل شده است، به بررسی نشست و جریان و سریان بالنده «سنت» را به شکلی مفهومی و بیشتر «هندسی» از آن بیرون کشید و تأویل کرد: «شکل های مربوط به فن معماری سنتی که طی قرنها متحول شده اند، خود کتابهایی هستند که منبع مهمی از آفرینش نو را تشکیل می دهند. دراین کتابها می توان ترکیب و تجمع دقیق و لطیف و در عین حال مؤثر طرق عمل قابل انطباق و منظور عمیق و روشن بینانه را یافت. شکل های کلی مهم که لغات اساسی مربوط را شامل می شوند اندک شمارند و از این رو قابلیت ایجاد حس وحدت را درمناطق مختلف ایران و کاروری های غالباً مهم ساختمانی دارا هستند. دروازه، باغچه، حیاط، پایه ستون، ایوان. اتاق، چهارطاق، گنبد و گلدسته به شکل های نمادی وکلی درآمده اند که صورت» پل هایی «را میان جهان صور کهن الگویی واحتیاجات آشکار یافته اند. دراین بعدموقت آنچه که شکل می گیرد مفاهیم است نه مقیاسات. مثلاً مفهوم گنبد بخصوص، هیچیک از جنبه های مقداری اندازه، مصالح یاتکنیک را به خاطر نمی آورد. تنها شکل نمادی آن است که جنبه های کیفی آن رامنتقل می سازد و به صورت یک مفهوم بی زمان با قدرت و زیبایی عظیم باقی می ماند.»

رسیدن به نوعی «وحدت» از طریق «ترکیب وتجمع» مفاهیم بومی و برگزیده معماری سنتی ایران، در مقیاسی نوین، توصیف یکجاو یکباره دستاوردهای آگاهانه و شهودی اردلان در عرصه معماری معاصر ایران به حساب می آیند. که به ویژه در بلان هوایی آثارش قابل بازدید است. چیزی که از آن می توان به کار بست درست و دقیق خطوط ساختاری و شکل ساز و تنظیم و تنزیل فضاهای مستند و مربوط به هم یاد کرد. یاواقعیت هایی که در ارز و عرض هم قرار می گیرند و قابلیت گسترشی بی زمان و بی مکان می یابند:

«در میان مفهوم تصور خلاق ومفهوم عقل یک تمایز مهم را بایددر نظر گرفت. عقل به عنوان جنبه مکمل معرفت با جهان محسوس سروکار دارد و قوه تخیل با جهان ماوراء الطبیعه. از لحاظ سنتی، عقل تجلی خارجی معرفت در قلمرو انسان است. بنابراین آن را نباید به منزله یک قوه مستقل در داخل وجود انسان نگریست. در حقیقت اگر عقل بنا بود از لحاظ آگاهی یک قوه مستقل باشد، قدرتی برای رسیدن به خودجهانی که در مرکز آن نهفته است، نمی داشت وهمواره در محیط باقی می ماند. به هر حال اگر رابطه مکمل عقل با تصور خلاق تشخیص داده شودمی تواند راهنمایی واقع گردد که در نهایت امر انسان را به عالی ترین شکل معرفت ممکن هدایت کند.»

صورت بندی دریافت های این چنینی مهندس اردلان را که مبتنی بر شهود ومکاشفه ودریافت های الهام گونه است و از رابطه عقل وخلاقیت می گوید و ریشه های آن را در هنر و به ویژه معماری می جوید، می توان در کتاب «حس برتر» یافت، که انگار اثر مشترکی است با یکی از نزدیکان سابق او (لاله بختیار). گذشته از این اما، در آثار به جای مانده از این معمار معاصر لحظه هایی نمی یابیم که از تصاعد عینیت به ذهنیت خبری نباشد واین کیفیتی است که چندانی آن به مطالعه عمیق و دقیق انسان ایرانی و در عین حال مسلمان بر می گردد. چرا که در پرداختن او به ابعاد روحی واجزای ماورایی، ایرانی بودن واسلامی بودن تقریباً به یک اندازه نمود دارد وبه یک نسبت مطرح می شود: «تصور ایرانی ومخصوصاً تصور اسلامی ایرانی از زمان از یک آغاز معین که همانا خلقت باشد شروع می کند و از طریق یک حرکت دوری درست همان عمل خلقت اولیه را دریک مسیر مارپیچی صعودی که متوجه اعتلا ووحدت نهایی بی زمان با وجودیکتاست، تکرار می نماید... این تصور زمان جنبه مهمی از یک نوع آگاهی بخصوص است که من به امید آشکار ساختن یکی از اساسی ترین اصول فرهنگ ایرانی به کاوش درباره آن می پردازم. این فرهنگ مربوط است به «خلق جدید» یا آفریدن نو که تضاد زمان(مادی) و بی زمانی (روحی) به عنوان جنبه های مکمل مدت در آن برطرف می گردد. این دور نمای محیط بر کیفیت زمانی (ظاهراً سنجش پذیر) و کیفیت روحی (ظاهراً سنجش ناپذیر) به عنوان جنبه های مکمل تمامیت عمیقاً مربوط به چگونگی دید ماز واقعیت است... اگر نظر انسان صرفاً بر پایه گذشته، حال وآینده دریک تسلسل طولی باشد، شخص ناچار به آن نتیجه ای می رسد که خاطرانسان معاصر را به خود مشغول می دارد. به این معنی که خلقت پدیده ای یک زمانی بوده وقادر مطلق از آن زمان دیگر مداخله ای نکرده است. بدین ترتیب خلقت فقط به دیده زمانی نگریسته می شود و پیشرفت فقط زمانی و مادی است. این نظر ایستایی متضاد نظر ایرانی درباره واقعیت است... همین کیفیت خاص بی زمانی است که توجه ما را درهنر سنتی معماری به خود جلب می کند. وقتی که مرحوم لویس کان گفت: سنت ها درست ملت هایی از خاکه طلا هستند، نه کیفیت رویدادی، نه به شکلهایی که در نتیجه یک تجلی در زمان حاصل شده اند، اشاره اش به همین ذات جهان بی زمان اشیا بود. به عقیده من ارزش های چیزی که عملاً حاصل می شود، یعنی آن کاری که ما اکنون می کنیم، در آن زمان کردیم یا درآینده خواهیم کرد، فقط با این خاکه طلا سنجیده می شود، آزاد از کیفیت رویدادی و آنچه که عملاً نمایانده انسان طبیعت است».

از آنجایی که به نادر اردلان دسترسی پیدا نکردم و از آنجایی که ضرباهنگ تهیه صفحات «مهرگان» اجازه تأمل و تعمق زیادی را نمی دهد، فکر نمی کنم که این یادداشت حاوی همه آن چیزهایی باشد که می توان درباره این معمار بزرگ و با سواد ایرانی گفت ونوشت. به همین خاطر به همان اطلاعات پراکنده ای که از اودارم و پیدا کرده ام، بسنده می کنم تا شمایی هرچند کوچک را درباره او ارائه داده باشم.

آغاز فعالیت های حرفه ای اردلان به دهه چهل (۱۳۴۱) می رسد و به زمانی که به عنوان یکی از «همکاران عالیرتبه» به دفتر عبدالعزیز فرمانفرمائیان می پیوندد.

بسیاری از کارهایی هم که حالا از او می شناسیم و سراغ داریم محصول همان دوره است. همکاری در طرح استادیوم صدهزارنفری آزادی و مجموعه ورزشی آن، مشارکت در طراحی دوبرج سامان (واقع در بلوار کشاورز)، طراحی ساختمان اداری گروه صنعتی بهشهر و مرکز مطالعات مدیریت هاروارد از جمله کارهایی است که این معمار در آن دوره بلندمدت انجام می دهد. او که در ادامه جزو شرکا و مدیران اصلی دفتر فرمانفرمائیان، در دوره «ادغام دفاتر» مهندسین مشاور، به حساب می آمد بعد از پروژه مرکز مطالعات مدیریت هاروارد و به خاطر یک سری اختلافات از آن دفتر مهندسی جدا می شود وبه فعالیت های دیگری می پردازد. طراحی و اجرای دانشگاه بوعلی سینا همدان، همکاری با «کامران دیبا» در طراحی موزه هنرهای معاصر تهران براساس تلفیق معماری سنتی ایران و مفاهیم فلسفی و با الهام ازبنای سنتی «خانه بروجردی ها» و در ادامه و در بعد از انقلاب طراحی و اجرای پروژه هایی مانند اسکله تجاری «الشرق» کویت و... از جمله آثار و ردپای دیگری است که از اردلان می توان دید و پیدا کرد.
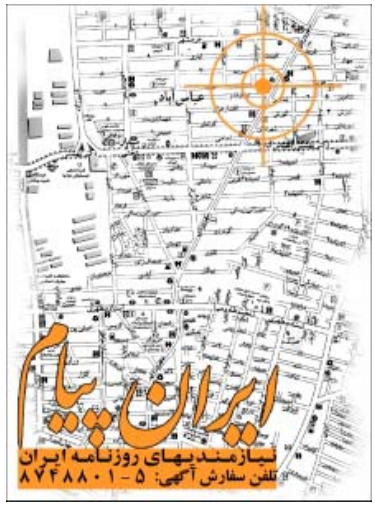
این ها و خیلی از نکته ها ناگفته دیگری که جای آن ها در این متن کوتاه خالی است و خالی می نماید همه از هنرمندی می گوید که با خلق یک سری آثار مونومنتال درعرصه معماری معاصر ایران به عرضه یکی از بهترین شیوه های نمایش فن ساختمان همراه با «شیوه های نوین معماری» و «همگام با جهش های صنعتی» پرداخته و در هموار کردن راه برای نوآمد گان این حوزه بسیار کوشیده است!